



دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دروه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

توسعه انسانی و عدالت جنسیتی

صادق میروسی نیک





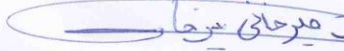
استاد راهنما

دکتر عباس منوچهری

بهمن ماه ۹۳

صلى الله عليه وسلم

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد
 اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خاتم / آقای صلاح میروسی نید تحت عنوان
گونه انسانی و عدالت جنسی
 را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد
 می کنند .

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر عباس منوچهری	دانشیار	
۲- استاد مشاور	دکتر الهه کویلی	استاد	
۳- استاد ناظر	دکتر عزت المسادات میرحاجی	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر حسین راعفر	دانشیار	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر عزت المسادات میرحاجی	استادیار	

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسان‌ها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.
تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (ثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب صادق میروبیسی نیک دانشجوی رشته علوم سیاسی ورودی سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده

علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:
تاریخ:

۹۳/۱۱/۲۱

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته **علوم سیاسی** است که در سال ۱۳۹۳ در دانشکده **علوم انسانی** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر **عباس منوچهری**، مشاوره سرکار خانم دکتر **الهه کولایی** از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **صادق میروسی نیک** دانشجوی رشته **علوم سیاسی** مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: **صادق میروسی نیک**

تاریخ و امضا: **۹۳/۱۱/۲۱**



دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دروه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

توسعه انسانی و عدالت جنسیتی

صادق میروسی نیک

استاد راهنما

دکتر عباس منوچهری

استاد مشاور

دکتر الهه کولایی

بهمن ماه ۹۳

تقدیم به

تمامی مادران سرزمینم ایران،

آنان که انسانیت، خود را و امدار و مدیون آنها می دانند.

باتقدیر و شکر از

دکتر عباس منوچهری که بودم راه اندیشیدن گره زد

و ثابت کرد که هنوز هم هستند معلمانی که

درد علم دارند...

درد اخلاق...

و درد انسانیت...

چکیده

این تحقیق درصدد است با روش تحلیلی تفسیری و در چارچوب اندیشه سیاسی به بررسی مهمترین مفروضات نظری «رویکرد قابلیت» آماریاسن و آثار و نتایج آن در حوزه عدالت جنسیتی بپردازد. در اینجا بیان می‌شود که فهم توسعه و آثار آن در حوزه عدالت و برابری را نمی‌توان از مبانی نظری و فلسفی نهفته در آن جدا نمود. معمولاً این مبانی و نحوه نگرش آنها به انسان، جامعه، آزادی و سعادت، بر روش‌ها و استراتژی‌های توسعه اثر گذاشته و نتایجی را به همراه می‌آورند. در همین زمینه بررسی جنسیتی نظریه-های توسعه و مبانی فلسفی آنها به عدالت حاکی از نارسایی رویکردهای توسعه در زمینه مسائل زنان و موانع جنسیتی آنها در برخورداری از فرصت‌ها و منابع واقعی زندگی است. این رویکردها یا نگرش انفعالی و رفاه محور به زنان دارند و یا با تلقی انتزاعی از آزادی و فرصت برابر از توانمندی آنها غافل می‌شوند. رویکرد قابلیت و توانمندی که مبنای رویکرد انسانی آماریاسن به توسعه است در این زمینه چشم انداز جامعی را پیش روی ما می‌گذارد. سن با پیوندی که میان آزادی، عدالت و دموکراسی برقرار می‌کند، عاملیت بخشی به زنان را محور توسعه قرار می‌دهد. در این رویکرد، توسعه در درجه نخست باید با تمرکز بر توانمندسازی زنان آزادی‌های ابزاری آنها را محقق سازد و در مرحله بعد شرایط مناسب بیرونی را برای ابراز وجود و قدرت انتخاب‌گری آنها فراهم نماید.

واژگان کلیدی: توسعه، عدالت، عدالت جنسیتی، توسعه انسانی، قابلیت، آزادی، توانمندی

فهرست منابع

۱	مقدمه
۴	فصل اول: کلیات و چارچوب نظری
۴	۱-۱ طرح مسأله:
۶	۲-۱ هدف:
۶	۳-۱ سؤال اصلی:
۶	۴-۱ فرضیه:
۶	۵-۱ روش انجام تحقیق:
۷	۶-۱ ضرورت پژوهش:
۸	۷-۱ ادبیات موضوع:
۲۰	۱-۷-۱ نتایج مرور ادبیات
۲۲	۸-۱ چارچوب نظری:
۲۷	۱-۸-۱ قابلیت های اساسی
۳۳	فصل دوم: رویکرد جنسیتی به عدالت و توسعه
۳۳	۱-۲ مقدمه:
۳۵	۲-۲ عدالت و فلسفه سیاسی
۳۹	۱-۲-۲ عدالت جنسیتی
۴۴	۲-۲-۲ نظریه های عدالت اجتماعی
۵۲	۳-۲-۲ نقد جنسیتی نظریه های عدالت
۶۲	۳-۲ توسعه و محوریت نظریه های فایده گرا و اختیارگرا

۶۲	۱-۳-۲	ارتباط توسعه و فلسفه سیاسی
۶۴	۲-۳-۲	توسعه و عدالت جنسیتی
۷۱	۳-۳-۲	رویکردهای توسعه و مسائل زنان
۷۸		فصل سوم: عدالت در رویکرد قابلیت‌سن و نوسپام
۷۸	۱-۳	مقدمه
۷۸	۲-۳	آمارتیا سن و اندیشه عدالت
۸۰	۱-۲-۳	عدالت و سنت فلسفی آمارتیا سن
۸۳	۲-۲-۳	جایگاه خرد و واقع بینی در نظریه عدالت
۸۴	۳-۲-۳	قابلیت و عدالت
۸۹	۳-۳	نوسپام و رویکرد جنسیتی به قابلیت
۹۵		فصل چهارم: آمارتیا سن و توسعه انسانی
۹۵	۱-۴	مقدمه
۹۵	۲-۴	توسعه انسانی
۹۸	۳-۴	توسعه به مثابه آزادی: آمارتیا سن و توسعه انسانی
۱۰۲	۱-۳-۴	آمارتیا سن و آزادی
۱۰۸	۲-۳-۴	توسعه و دو نقش مهم آزادی
۱۱۱	۳-۳-۴	آزادی، فقر و سرمایه انسانی و اجتماعی
۱۱۵	۴-۳-۴	دموکراسی و خردورزی عمومی
۱۲۳	۵-۳-۴	عقلانیت، توانمندسازی و مسئولیت
۱۲۶	۶-۳-۴	اقتصاد و بازار آزاد در اندیشه آمارتیا سن
۱۳۱		فصل پنجم: رویکرد قابلیت‌سن و عدالت جنسیتی

۱-۵	مقدمه	۱۳۱
۲-۵	زنان، قابلیت‌ها و موانع	۱۳۲
۳-۵	ظرفیت‌های رویکرد سن در فهم جامع نابرابری‌های جنسیتی	۱۳۴
۱-۳-۵	توسعه انسانی و فقر جنسیتی	۱۳۵
۲-۳-۵	آزادی، رفاه و دستاوردهای جامع	۱۳۷
۳-۳-۵	سن؛ آزادی و محدودیت‌های زنان	۱۳۹
۴-۳-۵	آزادی و توجه به ارزشهای سیاسی و اجتماعی زنان	۱۴۲
۴-۵	توسعه به مثابه فرایند آزادی زنان	۱۴۵
۱-۴-۵	منابع قدرتیابی زنان	۱۴۵
۲-۴-۵	آزادی و عاملیت زنان	۱۵۰
۳-۴-۵	دموکراسی؛ حق انتخاب و ابراز وجود	۱۵۴
	نتیجه‌گیری	۱۵۹
	فهرست منابع	۱۶۵

مقدمه

سیاست‌های عمومی «توسعه» همواره مبتنی بر مبانی فلسفی و نظری ویژه، و تلقی‌های خاص از انسان، جامعه و اقتصاد بوده است. آثار و نتایجی را که فرایند توسعه به وجود آورده است نیز بی‌ارتباط با این مبانی نظری و فلسفی نبوده است. از جمله این آثار رواج نابرابری و بی‌عدالتی‌های گسترده‌ای است که سهم زنان در آن در مقایسه با مردان به مراتب بیشتر است. امروزه در سنت فکری غرب در مقایسه با زمان استوارت میل و اولین دفاعیات آزادی‌محورانه او از حقوق زنان، آنها از بسیاری از حقوق و آزادی‌های که مدنظر میل بود برخوردار شده‌اند. اما با وجود این جهان در حالی اولین گام‌های هزاره سوم را طی می‌کند که زنان همچنان نا برخوردارترین گروه‌ها در برخورداری از حقوق و آزادی‌های هستند که فرایند توسعه نوید بخش آن بود.

برداشت‌های نارسا و تقلیل‌گرایانه از توسعه، تعریف عدالت جنسیتی بر مبنای حوزه خصوصی، نادیده گرفتن تفاوت‌های ماهوی زنان با مردان و تأثیر آن در دستیابی به فرصت‌های برابر، عدم برخورد یکسان با تنوعات درونی جامعه زنان، و رویکرد تقلیل‌گرایانه به عدالت اجتماعی در قالب افزایش رفاه مادی از جمله ضعف‌های اساسی نگرش‌های مختلف توسعه به عدالت جنسیتی بوده است. به این عوامل باید نگاه انفعالی به جنس مؤنث و بی‌توجهی به کارگزاری خود زنان در امر توسعه و افزایش توانمندی‌های آنها برای حضور در حوزه عمومی و مدنی را نیز افزود و آن را یکی از مهمترین چالش‌های زنان در حوزه توسعه دانست.

با توجه به این مسائل، اگر یکی از دلایل اندیشه‌پردازی در باب یک مسئله را نوعی پاسخ‌گویی به چالش‌ها و بحران‌های آن حوزه بدانیم، باید گفت که بحث عدالت جنسیتی در توسعه ناشی از بحران نابرابری زنان در این حوزه می‌باشد. به دلیل ناکامی نظریه‌های توسعه در حوزه برابری جنسیتی و احقاق حقوق

زنان، در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی در راستای تحقق عدالت جنسیتی و توسعه رویکردهای زن محور به توسعه وارد مطالعات مربوط به این حوزه شدند و در رویکردهای مختلف از برابری فرصت‌ها برای زن و مرد، اشتغال زنان و افزایش رفاه آنها دفاع کردند. اما این تلقی‌ها از عدالت جنسیتی ناکام ماندند، زیرا برابری فرصت‌ها را در مرحله آغازین آن مدنظر قرار داده و از عوامل خارجی که برابری فرصت‌ها را تحت شعاع قرار می‌داد غافل بودند. از سوی دیگر این رویکردها در ذیل همان رویکردهای مسلط توسعه قرار گرفته که ضمن نگرش حداقلی به زندگی زنان، از نقش ساختارهای اجتماعی و سیاسی که مانند تارهای نامرئی موجب تولید نابرابری می‌شدند، غافل بودند. دیدگاه‌های زن محور صرفاً از حضور زنان در روند توسعه دفاع کردند اما، صرف حضور کمی زنان در کنار مردان نمی‌توانست برابری آنها را تحقق بخشد، زیرا نابرابری‌های اساسی در ساختارهای کلان اقتصادی و سیاسی تولید می‌شد و صرف جابه‌جای رباط گونه زنان در آن منجر به برابری نمی‌گشت.

این مشکل را تنها رویکردی می‌توانست حل کند که در آن ضمن توجه به تفاوت‌های میان مردان و زنان، از یکسو بر توانمندسازی آنان در بهره‌گیری از قابلیت‌ها و توانایی‌های خود تمرکز داشته باشد و از سوی دیگر فضای مساعد و آزادانه را برای فعلیت یافتن ارزش‌های مدنظر جامعه‌ی زنان فراهم کند. این بحث در ذیل رویکرد انسانی به توسعه قرار می‌گیرد که در آن سعی می‌شود عموم مردم جامعه را وارد روند توسعه کرد تا به صورت عادلانه از آزادی و برابری متناسب با خود برخوردار شوند. زنان نیز بخش مهمی از جامعه بشری‌اند و لازم است در راستایی عدالت و ارتقاء آزادی خود وارد توسعه شوند و ضمن برخورداری از منابع و فرصت‌ها، ارزش‌های خود را نیز مطالبه کنند.

فصل اول

کلیات و چارچوب نظری

فصل اول: کلیات و چارچوب نظری

۱-۱ طرح مسئله:

عدالت اجتماعی یکی از اهداف مناقشه ناپذیر بشر در طول تاریخ حیات سیاسی او بوده است و نمی‌توان زمانی را تصور کرد که انسان تصویری از عدالت داشته باشد و در عین حال آن را نفی کند. آنچه که در مورد عدالت بیشتر محل مناقشه بوده است بیش از این که خود اصل عدالت باشد مسائلی از این حیث بوده است که عدالت در چه چیز؟ بر اساس چه معیاری؟ و در حق چه کسانی؟

سؤال از عدالت بر اساس چه معیاری همچنان پرسش باز پیش روی بشر است، اما جامعه بشری امروزه در حال رسیدن به اجماع در مورد سؤال عدالت در چه چیز؟ و در حق چه کسانی؟ است و پذیرفته شده که عدالت باید به صورت برابر برای تمامی افراد جامعه لحاظ شود و بنای آن بر حقوقی برابر انسانی استوار گردد. اما این امر در حوزه نظر رخ داده است و هنوز انسان به جایگاه اخلاقی نرسیده است که عدالت را در مورد هم نوعان خود رعایت کند و نابرابری همچنان در عرصه بین المللی و داخلی جوامع به قوت خود باقی است.

از جمله مباحثی که امروزه در ذیل عدالت اجتماعی به معنای کلان آن طرح می‌شود بحث از عدالت جنسیتی است که به بررسی نابرابری‌های اعمال شده در حق زنان به عنوان یکی از گروه‌های انسانی می‌پردازد که مورد ظلم هم نوعان مذکر خود قرار گرفته است. این مسئله نیز همانند عدالت در معنای عام آن امروزه مدنظر رویکردهای توسعه می‌باشد به نحوی که از توسعه مبتنی بر عدالت به ویژه در حق گروه‌های به حاشیه رانده شده مثل زنان دفاع می‌شود.

توجه به عدالت جنسیتی در رویکردهای توسعه از سال ۱۹۷۵ و برگزاری اولین کنفرانس بین المللی رفع تبعیض از زنان آغاز شد. اما علی رغم آنکه حدود چهار دهه از طرح مسئله عدالت جنسیتی در رویکردهای معطوف به توسعه می‌گذرد آمارهای بین المللی نشان دهنده پیشرفت چندانی در این حوزه به ویژه در جوامع در حال توسعه نمی‌باشد. دلیل این امر بیش از آنکه به توجه به مسئله عدالت جنسیتی مربوط باشد به راهکارهای که برای طرح این مسئله ارائه شده است باز می‌گردد. این راه‌حل‌ها به جای اینکه فاعلیت خود زنان را در حوزه عدالت جنسیتی تحقق بخشند آنها را به عنوان یک گروه مورد تبعیض شده قلمداد کرده‌اند که حقوق سلب شده از آنان را باید به آنها رساند. مهمترین دستاوردی که این راه‌حل‌ها به آن منتهی شده‌اند حمایت از فرصتهای برابر اجتماعی بوده است که باید زنان را نیز مانند مردان در خود جای دهد. ضعف رویکرد فرصتهای برابر در این است که قادر به درک تفاوت نیازها و توان زنان در مقایسه با مردان و سهم آنها در ساختن اجتماع خود نیست. این رویکرد تارهای نامرئی نابرابری‌ساز در برابر فرصت‌های برابر را نادیده گرفته و سعی دارد از طریق فعالیت در درون آنها عدالت را تحقق بخشند. این راهکارها علی رغم اینکه وجود این تبعیض را پذیرفته و در صدد رفع آن می‌باشند هنوز نتوانسته‌اند ریشه اساسی و موجد این نابرابری‌ها را به خوبی تشخیص دهند.

اکثر این راه‌حل‌ها، حل نابرابری جنسیتی را به ساختارها و نهادهایی واگذار کرده است که در عادلانه بودن خود آنها تردید وجود دارد و کمتر شاهد آن هستیم که زنان متولی حل مسئله‌ای باشند که به خود آنها مربوط است. اکثر این راه‌کارها زنان را به عنوان گروهی مد نظر دارند که باید توسط یک عامل بیرونی یا حق را به آنها رساند یا آنها را به حق، اما کمتر نظریه ایجاد شده است که بگوید "زنان باید مانند مردان حق خود را، خود بگیرند". مسلماً راه حل سوم مستلزم آن است که زن را از یک خود منفعل که نیاز به توجه دیگری دارد رها کرده و او را به یک کنشگر فعال و توانمند در حوزه سیاست و جامعه تبدیل نمود و این مسئله‌ای است که برای ما ایجاد پرسش کرده و باید دید که آیا توسعه انسانی در رهیافت قابلیت

آمارتیاسن می‌تواند از ساختارهای مستعد نابرابری شالوده شکنی کند و بستری برای واگذار کردن مسائل زنان به خود آنها فراهم نماید.

۱-۲ هدف:

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل رویکرد توسعه انسانی آمارتیاسن و ظرفیت سنجی آن در شالوده‌شکنی از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی موجد نابرابری و ارتقاء عدالت جنسیتی است.

۱-۳ سؤال اصلی:

رویکرد توسعه انسانی آمارتیاسن از چه ظرفیت‌های برای ارتقاء عدالت جنسیتی برخوردار است؟

۱-۴ فرضیه:

به نظر می‌رسد توسعه انسانی آمارتیاسن از طریق فراهم کردن بستر قدرت‌یابی زنان و رهایی آنها از ساختارهای اجتماعی نابرابری‌ساز، قادر به فاعلیت بخشیدن به آنها در راستایی تحقق عدالت جنسیتی باشد.

۱-۵ روش انجام تحقیق:

در این تحقیق از روش تحلیلی- تفسیری استفاده شده است و روش جمع‌آوری مطالب نیز به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. در اینجا ما با تحلیل و تفسیر متن آمارتیاسن و مهمترین مبانی اندیشه او درصدد خواهیم بود که پاسخی نظری در باب عدالت جنسیتی ارائه نمائیم.

۱-۶ ضرورت پژوهش:

پژوهش در مورد جایگاه زنان در سیاست و جامعه به ویژه در کشورهای در حال توسعه از ضرورت‌های روز حوزه پژوهش در آغاز هزاره سوم است. امروزه جامعه بین‌المللی خود را ملزم به رعایت عدالت مبتنی بر انسانیت انسان‌ها می‌داند و هرگونه نابرابری بر مبنای جنسیت را نمی‌پسندد. این امر بیشتر متأثر از تغییر در صورت بندی‌های دانایی و تحولات اجتماعی است که منجر به بازتعریف هویت زنان و تغییر در مبنای تقسیم کار جنسیتی شده است. مطالعات مربوط به توسعه هم مانند سایر سنت‌های پژوهشی بی‌توجه به موضع جنسیت به ویژه عدالت جنسیتی نیستند. بحث در مورد عدالت جنسیتی ذیل محور کلی توسعه عدالت محور قرار می‌گیرد که در آن سعی بر آن است که در جریان رشد و توسعه به تبعیض در مورد گروه‌های حاشیه‌ای توجه بیشتر مبذول شود و آن‌ها را وارد حوزه توسعه گرداند.

علی‌رغم اینکه پژوهش در مورد عدالت جنسیتی از حیث کمی و کیفی ارتقاء نسبتاً خوبی داشته است، اما عموم این پژوهش‌ها از دو نکته اساسی در راه‌کارهای خود غافل مانده‌اند:

نخست اینکه عموم این پژوهش‌ها نگاهی از بالا به پایین داشته‌اند و راهکارهای کلان آنها در زمینه رفع تبعیض جنسیتی به نهادها و ساختارهایی تصمیم‌گیرنده در حوزه سیاست و جامعه واگذار شده است. این نگاه در نهایت به آنجا منتهی می‌شود که از فرصت‌های مساوی و برابر برای زنان در کنار مردان حمایت می‌کند و مکانیسم خاصی برای نظارت و اجرای این برابری پیش‌بینی می‌کنند. ضعف این نگرش در این است که اولاً از نابرابری‌هایی پایداری که ساخته خود این نهادها و ساختارهای تصمیم‌گیرنده است غافل می‌ماند، ثانیاً تفاوت و تنوع میان افراد و در اینجا زنان و مردان را که می‌تواند به تفاوت در استفاده از فرصت‌های برابر منجر شود را نادیده می‌گیرد و به همان شمول‌گرایی نظریه‌های عدالت دچار می‌شوند.

دومین نکته‌ای که توجه به آن لازم است این است که راهکارهای ارائه شده در مورد عدالت جنسیتی از فقر تئوریک رنج می‌برند. این نظریه‌ها بیش از اینکه از یک چشم انداز نظری و جامع به تحقق عدالت جنسیتی در بلند مدت بپردازند، به ارائه راه‌حل‌های مقطعی بر اساس نگاه به "آنچه که هست" پرداخته و کمتر به این که عدالت جنسیتی "چگونه باید باشد" توجه نموده‌اند. این نگاه نباید قضاوت ما را به سوی آرمانگرایی هدایت کند یا از اهمیت واقع‌گرایی موجود در پژوهش‌های اجتماعی بکاهد. نکته این است که تحقق عدالت جنسیتی ضمن اینکه نیازمند فهم واقعیت‌های موجود است، به یک پشتوانه نظری و اندیشه‌ای نیز نیازمند است تا افق دید ما به مسئله عدالت را نظم بخشد و از راهکارهای پراکنده و مبتنی بر تجارب صرف رها سازد.

این پژوهش در صدد است با رهیافتی هنجاری و مشارکتی بحث توسعه و عدالت جنسیتی را دنبال کند و با توجه به دو نکته فوق به پردازش توسعه و برابری جنسیتی بپردازد.

۱-۷ ادبیات موضوع:

رفع تبعیض کانون تمرکز تمامی پژوهش‌های می‌باشد که حول محور مطالعات مربوط به زنان صورت گرفته است. اما اکثر کارهای که در این حوزه انجام شده است از نوع مطالعات پسینی می‌باشد و کمتر پژوهشی صورت گرفته است که از دریچه هنجاری و از زاویه سیاسی به مسئله عدالت جنسیتی پرداخته باشد. اگر در بخش محدودی از این مطالعات نیز سیاست مورد نظر قرار گرفته است بیشتر یک موضوع بوده است تا یک راهکار، و راه‌حل‌ها عمدتاً از دریچه اقتصاد توسعه یا جامعه‌شناسی توسعه ارائه شده است. در زیر به بخشی از این آثار اشاره می‌گردد.

دکتر محمد عبداللهی در اثر خود «زنان در عرصه عمومی» به جایگاه مشارکت مدنی زنان ایران در خروج آنها از حاشیه به متن و مقابله با تبعیض و نابرابری اشاره می‌کند و ضمن برقراری همبستگی مثبت بین